



## آیین سنتی چاوش خوانی در آذربایجان

مراسم چاوش خوانی که ریشه در آداب و سنن مذهبی مردم آذربایجان دارد در بیشتر شهرها و روستاهای این خطه منسوخ شده ولی بعد از گذشت قرن ها همچنان در برخی شهرستان ها از جمله ملکان مرسوم است.

مراسم چاوش خوانی که ریشه در آداب و سنن مذهبی مردم آذربایجان دارد در بیشتر شهرها و روستاهای این خطه منسوخ شده ولی بعد از گذشت قرن ها همچنان در برخی شهرستان ها از جمله ملکان مرسوم است.

این آیین ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی مردم داشته و ارزش و جایگاه آداب و سنن مذهبی را در منطقه نشان می دهد. اجرای آیین سنتی و مذهبی چاوش خوانی فضای خاص معنوی و آمادگی لازم جهت زیارت را در زایران به وجود آورده و همچنین در زمان مراجعت نیز از شمیم خوش خاک اماکن متبرکه دوستان و آشنایان را نیز به فیض می رساند. چاوش خوان فضای روحانی در محل اسکان زایر عتبات عالیات و مکه مکرمه ایجاد کرده، مردم محل و کوچه بازار را جهت بدرقه یا استقبال و دیدار از کاروان زایران یا زایر اماکن متبرکه مطلع می کند.

این رسم که با آیین خاصی همراه است، در مواقعی که کاروان زایران یا زایر قصد زیارت خانه خدا، کربلای معلی، سوریه یا مشهد مقدس را داشته باشد پیش از آن با چاوش خوان هماهنگ می شود تا در موعد مقرر در خانه زایر یا مسجد حاضر شود. چاوش خوان در برخی از شهرها و روستاهای آذربایجان شرقی به خصوص ملکان لباس خاصی برتن داشته سوار بر اسب با جملات خاص در مدح پیامبر اکرم و یا ائمه اطهار در جلوی زایران حرکت می کند. چاوش خوانی در روستاها تا خروجی روستا ادامه می یابد و در شهر نیز چون زائرین بصورت جمعی عازم می شوند، تا محل تجمع آنان چاوش خوانی ادامه دارد.

علی یولقونی یکی از این چاوش خوانان قدیمی ملکان در ارتباط با سابقه و سنت چاوش خوانی در این شهرستان به خبرنگار ایرنا گفت: این حرفه ریشه در حب و علاقه مردم منطقه به اهل بیت عصمت و طهارت داشته و چند صد سال قدمت دارد. وی افزود: در خانواده ما هم این حرفه قدیمی نسل در نسل دوام داشته و پدرم نیز به این کار مشغول بود. یولقونی اظهار داشت: قدیم الایام که وسایل ارتباطی به شکل کنونی گسترش نیافته بود، تنها وسیله دعوت مردم همین رسم سنتی و مذهبی چاوش خوانی بود.

وی هدف از چاوش خوانی را مطلع ساختن و دعوت از مردم به منظور طلب حلیت و بدرقه زایر و التماس دعا اهالی عنوان کرد و افزود: این آیین علاوه بر آگاه سازی مردم، تأثیرات دیگری نیز دارد که از جمله آن می توان به ایجاد فضای معنوی مراسم و رونق بخشیدن هر چه بیشتر به آن اشاره کرد.

یک زائر حج عمره نیز گفت: چاوش خوانی به یادگار مانده از اجداد و نیاکان ما می باشد که ریشه در اعتقادات مذهبی شهرستان ملکان دارد.

وی معتقد است رسم یاد شده شکوه و عظمت این سفر الهی را بیشتر متجلی می کند، چرا که این سفر معنویت خاص خودش را دارد و ملتسمان دعا و زایران بیشتر از فضای ایجاد شده بهره مند می شوند.

چاوشی خوانی هنوز در اندکی از شهرهای و روستاهای ایران زمین نیز رایج است، این آیین در شبیه خوانی ها [مجالس تعزیه] هم جایگاهی یافته و جهت تجلیل و تقدیس امامان و اولیاء در تعزیه مورد استفاده قرار گرفته است؛ کما اینکه هنوز هم در برخی از مجالس تعزیه به ویژه مجلس شهادت امام رضا و تعزیه مجلس شهادت امام، چاوش خوانی به شکل سنتی آن اجرا و مورد استفاده قرار می گیرد.

مشاهده این دو مجلس و شنیدن چاوش خوانی های آن به خوبی وجه تمایز تاثیر این لحن را نسبت به سایر الحان در تماشاگران شبیه خوانی نشان می دهد، نمونه آن برای زایرانی که از تشریف به خانه خدا بازگشتند به شرح زیر است:

حاجیان از حرم امن خدا آمده اند  
شادمان در وطن از سعی و صفا آمده اند  
رفته بودند سوی مشعر و میقات و حریم  
خرم از رکن و منی سوی وطن آمده اند  
روز عید عرفه خوانده دعا در عرفات  
شاد و مسرور همه سوی وطن آمده اند  
بار الها بکن این حج و زیارات قبول  
سعی مشکور که با حج بجا آمده اند  
شکر بسیار خدا را که به ایران عزیز

حاجیان از حرم امن خدا آمده‌اند

در حال حاضر مراسم چاوش خوانی عبارت است از مشایعت و یا استقبال و پیشواز از زائرین اماکن مقدسه که با لحن آوازی ویژه از جوهره موسیقی ردیفی برخوردار است.

در گذشته فعالیت چاوش نخست به صورت برافراشتن علم خویش در مکانی مشخص مثل جلو مسجد، سقاخانه و میدان ده بود که به ظهور می رسید و یا علم بر دوش سوار بر اسب و یا پیاده در گردش بود و مشتاقان را با خواندن اشعار خوش در بشارت سفر و توصیف زیارتگاه و مناقب پیغمبر و امامان و برآورده شدن مرادها دلگرم می کرد.

علم چاوش غالباً سه گوش و سبز رنگ بود و بر آن تصویری از حرم کعبه یا آرامگاه علی(ع) و امثال آن با ابیاتی منتسب نقش کرده بودند. ظهور علم چاوش و چاوش خوانی او در کوی و محله ها هم مژده سفری روحانی بود و هم اعلام وقت خداحافظی مسافران و حلالیت طلبیدن.

چاوش لباس خاص نداشت. اگر سید بود شال سبزی بر گردن می کرد و در غیر این صورت شالی سیاه حمایل سینه می نمود، چاوش خوانی تا دو سه دهه قبل در نواحی مختلف ایران و با سبک و سیاق تقریباً واحدی به اجرا در می آمده و به عنوان سنتی واجب الجرا در رابطه با مراسمی که مسافری به عتبات عالیات داشته اند، از جایگاه آیینی مشخص و با اهمیتی برخوردار بوده است.

این کلمه در اصل ترکی آذری است که در متون قدیم فارسی به صورت CAVUS چاوش و CAVOS چاوش، به معنی نقیب لشکر، رییس تشریفات و فراشان به کار رفته است و در فرهنگ های مختلف آن را نقیب قافله و پیش آهنگ کاروان نیز معنی کرده اند.

به ظاهر معنی اخیر در آداب و رسوم مردم ایران به تدریج به موردی خاص اطلاق شده و شهرت یافته و آن کسی است که اعلام کننده سفر به عتبات عالیات و دعوتگر مردم برای پیوستن به گروه زائران و نیز همراه و راهنمای آنان در طی چنین سفرها بوده است.

بسیاری از منابع تاریخی پس از دوران صفویه درباره چاوشان و وظایف آنان اشاره داشته اند که در بیشتر موارد مسوولیت آنان در محدوده و تعریف شناخته شده امروزی چاوشان قرار نمی گیرد.

آنچه از برخی متون تاریخی استنتاج می شود، چاوش خوانی به عنوان آوازی دینی و استغاثه آمیز، پیش از آنکه آوازی مذهبی شیعی تلقی و تثبیت شود، توسط چاوش خوان ها در رکاب امرا و شاهان به منظور دعا و آرزوی خیر مورد استفاده قرار می گرفت و در ردیف آوازهای ادعیه محسوب می شد.

محمد هاشم آصف در رستم التواریخ و در کوبه و جلال نادری می گوید: به آیین نادری سوار می شد و در دو طرف یمین و یسار چاوشان بسیار با عصاهای زرین و سیمین به ذکر الملك الله الواحد القهار مشغول می رفته اند.

اینگونه اشارات در منابع تاریخی، حاکی از زمینه های کاربرد تاریخی و عموماً لشکری این آواز است، چنان که استاد دهخدا در واژه نامه خود چاوش را به معنی نقیب لشکر نیز آورده است.

واژه چاوش بیشتر در آثار و منابع پس از صفویه دیده شده است، با توجه به تعریفی که استاد دهخدا از این کلمه ترکی به دست داده، می توان احتمال داد که واژه چاوش به فرهنگ ایرانی راه یافته است.

در تاریخ بیداری ایرانیان در تبعید سیدجمال الدین اسدآبادی آمده است، پس از چندی سید را محترماً روانه بغداد داشت. در بغداد نقیب و والی بغداد مقدمش را مغتنم داشته و ایضاً حاج عبدالصمد اصفهانی معروف به همدانی به کل از لوازم احترام فروگذار نکردند، با این وصف دو واژه نقیب و چاوش گاهی کاربردهای دیگری نیز داشته اند.

به ظاهر عنوان چاوش بر رسمی مذهبی و آیینی آوازی در میان ترکان آسیای میانه نیز رایج بوده است؛ چنانکه وامبری در شرح سفرش به ترکستان نوشته است: در این اثنا اهالی قافله با صدای بلند مشغول تلاوت قسمت هایی از قرآن شدند و همان گونه که در خور زوار واقعی است شروع به خواندن تلقین (چاوشی) نمودند و اینکه من نمی توانستم آن آداب مذهبی را به جا بیاورم چشم پوشی کردند، زیرا می دانستند که رومی ها تا این اندازه پای بند اصول و مقررات سخت مذهبی مانند اهالی ترکستان نیستند.

به خصوص از عصر قاجار در تحوّلی که چگونگی آن نامعلوم است، این عنوان ویژه برای کسانی به کار برده شد که آوازهای مذهبی مشخصی را در استقبال و یا مشایعت زیارت کنندگان اماکن مقدسه می خوانده اند.

ادوارد پولاک در شرح وظایف چاوشان می نویسد: در مسافرت ها بسیار می شود که آدمی با کاروانی از زائران برخورد می کند. به هنگام عبور از شهرها در راس قافله چاوش حرکت می کند.

وی بیرق سرخی با خود دارد و با صدایی بلند مدح قدیسی را که به زیارتش می روند سر می دهد. به دنبال او خیل مردان و زنان و همچنین کودکان در حرکتند که تک تک یا جفت جفت، در کجاوه به اسب یا الاغ بسته شده، طی طریق می کنند.

هم او در جای دیگری در تعریف این واژه می نویسد: روی هم رفته می توان گفت که اکثر زوار حج در بین راه فوت می کنند و به زحمت کثیر این زوار باز به وطن خود باز میگردند و به همین دلیل است که چاوشی را مرثیه هم می نامند.

چاوش خوانی غالباً با آهنگ خاص و موزون برگزار می شد، مضامین غمناک و سوگوارانه و ویژگی های مذکور در طرز چاوش خوانی موجب شده است که در آن اثراتی از تراژدی و خصایص دراماتیک به چشم آید.

با توجه به آنچه گفته شد شعر و شعر خواندن مهمترین دست مایه چاوش است. اشعار چاوشی بیشتر از سرایندگان ناشناس است، شاید شاعران از ذکر نام خود به نیت تبرع پرهیز داشته اند.

برخی چاوشان خود نیز اشعاری در این زمینه ها می سروده و می خوانده اند، بسیاری از اشعار چاوشی رنگ عوامانه نیز پیدا کرده و احیاناً از اختلال وزن یا بعضی نقایص خالی نیست.

گاهی نیز در برخی اشعار چاوشی ابیاتی از دشواری های سفر و سختگیری ماموران مرزها و چگونگی گرفتن تذکره و مضامینی از این قبیل راه یافته است.

گمان بر این است که تا پیش از متداول شدن واژه چاوش این گروه خوانندگان به نقیب شهرت داشته و مدت ها عناوین نقیب و چاوش به صورت هم عرض استعمال می شده اند.

پس از رسمی شدن مذهب شیعه در ایران رفته رفته چاوش خوانی در خدمت مناسک مربوط به زایرین نیز قرار گرفت. از این برهه چاوش خوانی از اشعار و فرم خاصی از لحن برخوردار گردیده و به طور مطلق در خدمت مراسم مربوط به زائرین در آمد و کاربرد آغاز آن یعنی استفاده در مراسم لشکری و نظامی آن، کنار نهاده شد.

مشاهده نمونه هایی حال حاضر چاوش خوانی حاکی از آن است که مضامین اشعار در این مراسم بیشتر در توصیف سه شهر مقدس و مذهبی شیعیان یعنی کربلا و نجف در عراق و مشهد در ایران و همچنین خانه خدا بوده و پیرامون حوادث و وقایع شاخص و برجسته و همچنین درباره پیشوایان و امامان برجسته مدفون در این شهرها است.

چه کربلا، عزیزان خدا نصیب کند  
خدا نصیب به عرش و هم، گدا کند  
رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید  
دیدم که تربت شهدا مشک و عنبر است  
هر يك شهید مرقدشان چارگوشه داشت  
شش گوشه مزار، در آن هفت کشور است

پرسیدم از یکی سبیش را به گریه گفت  
پایین پای قبر حسین، قبر اکبر است  
پایین پای قبر علی اکبر جوان  
هفتاد و يك شهید چو خورشید خاور است  
در سمت راست، قبر یکی پیر جلوه کرد  
زان گوشه رواق که نزدیکی در است  
پرسیدم از خادمان که این مزار کیست؟  
گفتا حبیب، نور دو چشم مظاهر است